



گزارش «وطن امروز» از نامه صدا و سیما به درخواست نمایندگان برای پاسخ به رئیس جمهور  
**آوانس ضرغامی**  
به روحانی

صفحه ۲



پایتخت اوکراین با کودتای خیابانی غربگرایان سقوط کرد

# دموقراضه!

■ شورشیان نام میدان «استقلال» کی‌یف را به «یورو» تغییر دادند  
■ بانوکویچ: کودتای شورشیان یادآور روی کار آمدن نازی‌ها در آلمان بود

هشتمین صفحه ۱۱



عکس: رویترز

**یادداشت روز**

جنگ‌های نسل چهارم؛ شورش علیه دموکراسی  
**معاوضه «استقلال» اوکراین**  
با «یورو»

■ شروین ظاهری



دست یافت؟ در نتیجه بسیار محتمل است توده‌هایی که برای حل بحران در خانه‌شان اجتماع کرده‌اند، با هدایت مغرضانه رهبران وابسته، «در» دیوار به هم ریخته‌شان» را بر سر خویش خراب کنند. این حکایت امروز «میدان استقلال» کی‌یف، پایتخت اوکراین است، در حالی که بعید نیست این یکی از آخرین اشاره‌های نویسنده به کشوری واحد به نام اوکراین باشد. آیا مردم اوکراین یا دست‌کم بخشی از آنها در حال شورش علیه مردم‌سالاری هستند، یعنی همان چیزی که در سال ۱۹۹۱ به پهلای سنگین با استقلال از اتحاد جماهیر شوروی به‌دست آوردند؟ بعید نیست! همانطور که از آسمان همیشه سبزه و دودگرفته کی‌یف در این چند هفته برمی‌آید اعتراضات ضد دولتی هم در اوکراین به قدری ابهام‌آمیز است که حتی بسیاری از کسانی که ناآرامی‌های کی‌یف و لقیف را دنبال کرده‌اند، هنوز نمی‌دانند آن معترضان صلح‌طلب یونیفورم و کلاه‌خودپوش در حقیقت شبه‌نظامیان آموزش‌دیده‌ای هستند که به دو گروه کلی «جدایی‌طلبان غربی و تاتاری» و «نازی‌ها» (بله! درست شنیدید، نازی‌های فاشیست، نژادپرست و آدم‌سوز و ضدبشر و یهودستیز اوکراین که البته هزینه تشکیلات‌شان را بانکداران یهودی آمریکا و اروپا می‌پردازند) تقسیم می‌شوند و فرماندهان مزدباز و طیف به گواهی اسناد معتبر در پایگاه‌های ناتو در استونی، لهستان، کروزیو و ترکیه دوره‌های خرابکاری و جنگ‌شهری گذرانده‌اند. شورشیان در چند مرحله علیه دولت مستقر و رئیس‌جمهور قانونی، ویکتور یانوکویچ تظاهرات و جنگ خیابانی به راه می‌اندازند و در این فضای غبارآلود، شورشیان مزدباز توسط رسانه‌های غربی قهرمان طیفی از جامعه اوکراین یازنمایی می‌شوند که به‌خاطر پیوستگی‌های جغرافیایی‌شان، خواهان ارتباط نزدیک‌تری با اتحادیه اروپایی هستند، حال آنکه اکثریت قاطع مردم کشور در آخرین انتخابات دموکراتیک به دولتی رای داده‌اند که از تباطات سنتی با روسیه و متحدانش را به دلایل منطقی در درجه اول اهمیت قرار می‌دهد. سرانجام در فازنهایی، شورشیان نه‌تنها علیه دولت و حکومت مرکزی منتخب بلکه حتی علیه خود اوکراین هم کودتا می‌کنند و نام میدان «استقلال» را به «یورو» تغییر می‌دهند.

ادامه در صفحه ۱۲

راهپیمایی ۲۲ بهمن مغل امنیت ملی نیست

## این بود اعتدال!؟

■ حسین قدیانی

**دادگاه**

نه فقط صداقت، بلکه صراحت و شفافیت هم سیادت دارد بر سیاست. اگر بعضی‌ها نقد را بر نمی‌تابند، همان به که منتقدان را بی‌سواد خطاب کنند تا اینکه بخواهند پای یک نهاد فوق‌العاده مهم، حساس و امنیتی را با هزار و یک کار کرده و نکرده به گلیمی باز کنند که علی‌القاعده اقلیم کار او نیست. از گالی که کارش حفظ، بلکه بسط امنیت ملی این مرز و بوم است، بعضی‌ها اگر خوب دقت کنند، خواهند فهمید که در دم و دستگه‌شان، یک «معاونت حقوقی» هم دارند که درست شده برای همین شکایت‌ها کدام شکایت‌ها؟ همین که شکایت کنند از ۴ متن «دهان ما پلمب نمی‌شود»، «هستای ملت و دیلماسی دولت»، «آقایان سر بولدوز را بچرخانید طرف دشمن» و «غرور ملی شکست، نه ساختمان تحریم» به قلم راقم این سطور که در همین «وطن امروز» کار شده اشاره به نکاتی در این باره لازم است اما قبلش باید پرسید؛ آیا این بود اعتدال!؟

یکم: از بعد آمدن احضاریه، بارها و بارها این ۴ متن را هم از اول به آخر، هم از آخر به اول، هم از وسط به بالا، هم از وسط به پایین، و هم به شکل رندم(! دوباره‌خوانی کردم، مع‌الاسف دقیقاً متوجه نشدم کدام جمله، احیاناً کدام کلمه از نوشته‌هایم امنیت ملی را به خطر انداخته است؟! واقعا این بود اعتدال!؟

دوم: من درباره نقد توافق ژنو، پای نقطه به نقطه نوشته‌هایم بویژه این ۴ متن ایستاده‌ام و حتماً با کمال میل، با کمال احترام به قانون و با کمال شجاعت در دادسرا حاضر خواهم شد اما خیلی خوب بود شاکلی اصل کاری هم، خود بار شکایت را بر دوش می‌کشید و از کیسه این نهاد و آن شورا خرج نمی‌کرد! در ادوار قبل نیز دست‌اندرکاران همواره از جیب معاونت و حقوقی خود هزینه می‌کردند و شأن فلان دستگاه و منزلت بهمان ارگان را وجه‌المصالحه تقدناپذیری خود نمی‌کردند. این بود اعتدال!؟

سوم: این شکایت در حالی مطرح می‌شود که ما در «وطن امروز» صرفنظر از نقدهای مستدل خود، مکرر تاکید کرده‌ایم توافق ژنو به هیچ‌وجه قابل قیاس با عهدنامه ترکمنچای نیست. واقعا این حد از تحمل منتقد در دولت اعتدال نوبر است! یعنی این بود اعتدال!؟

چهارم: هم من در راهپیمایی ۲۲ بهمن بوده‌ام، هم دولت‌مردان محترم و هم من شعرهای جمهوری را

شنیدم، هم رئیس‌جمهور. این ۴ متن، چیزی جز تکرار البته نرم‌تر، روادارانه‌تر و محتاط‌تر همان پیام ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن نبوده و نیست. قطعاً اگر «دهان ما پلمب نمی‌شود» مغل امنیت ملی این دیار است، به طریق اولی، راهپیمایی ۲۲ بهمن سسی و پنجم همه احساد ملت نیز باید مغل امنیت ملی کشور تشخیص داده شود. آیا بعضی‌ها شاکلی ۲۲ بهمن ملت هم هستند؟! آیا ملی‌ترین روز این وطن را، علیه امنیت ملی تفسیر می‌کنند؟! اینکه خیلی بد و به عبارتی طنزآمیز است! اگر پیام ملت در یوم‌الله ۲۲ بهمن «وحدت و استقامت» بود، آیا ما قبل از این پیام و صلابته ملازم‌تر از ملت، ننوشتیم تقسیم بر ۲ کردن ملت و درشتگویی علیه منتقد، مغل وحدت است؟! و آیا ما ننوشتیم توافق ژنو با استقامت این ملت، به هیچ‌وجه هماهنگ نیست؟! اینک بعد از راهپیمایی باشکوه ۲۲ بهمن، ما از آنجا که برخلاف بعضی‌ها به‌خوبی پیام مغل امنیت ملی کشور را با استقامت این ملت، در قلم‌مان بر همان پاشنه وحدت و استقامت خواهد چرخید. بعضی‌ها اگر باز هم گلابه دارند، خوب است شکایت از مردم وطن کنند، نه اینکه فقط زورشان را به «وطن امروز» نشان دهند. با این همه، زور ما بیش از آنکه در بازوی‌مان نهفته باشد، در جوهر قلم و گوهر تحلیل‌مان جاری است. می‌ماند این سوال که به‌راستی این بود اعتدال!؟

بعضی‌ها ۴ جمله نقد را نمی‌توانند تحمل کنند، حتی هنگام شکایت نیز خود را پشت ترکیب مقدس «امنیت ملی» قرار می‌دهند، چطور از نظام می‌خواهند آشتی کند با فتنه‌گرانی که سال ۸۸ آن همه جنایت در حق امنیت ملی این مرز و بوم مرتکب شدند؟! بعضی‌ها تاب یک تیر چند کلمه‌ای «هستای ملت و دیپلماسی دولت» را ندارند، چطور از قوه محترم و مظلوم قضائیه توقع دارند سران مجرم فتنه را ببخشد؟! بعضی‌ها تحمل ۲ تا نقد آرام‌تر از شعرهای ملت را ندارند، چطور از نظام می‌خواهند با محارباتی که همین چند وقت پیش محاربه‌شان به شهادت یکی از جانبازان فتنه ۸۸ منجر شد، صلح برقرار کنند؟! من واقعا عذر می‌خواهم اما در سیاست، افه‌هایی هست که به منادیان اعتدال هرگز نیامده! از سران فتنه، جز ۲ تن که در قصر محصورند - بخوانید مقصورند!- الباقی چون گربه بی‌حیا از در دیگ باز و سرشار از لطف و کرامت دستگاه محترم قضا، مشغول سوءاستفاده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۲

دولت اسلام آباد مسوول ربودن ۵ مرزبان ایرانی است

## پاکستان و وظایف حاکمیتی

■ رتوف پیشدار\*

**نگاه**

وقایع تروریستی متعدد از جمله به گروگان گرفته‌شدن ۵ مرزبان ایرانی توسط تروریست‌هایی که از خاک پاکستان می‌آیند، بار دیگر مسائل امنیتی آن منطقه و نوع و سطح برخورد و تعامل با پاکستان درباره مسائل امنیتی را به جد مورد توجه قرار می‌دهد. این اولین بار نیست که تروریست‌ها با استفاده از خاک پاکستان اقدام



و توافق‌نامه‌های جمعی مانند عضویت در اینترپل است. پاکستان در همه حوادث تروریستی جانیان را به ایران تحویل نداده است و این در حالی است که جانیانی که آدرس آنها در پاکستان مشخص است، در اغلب موارد و از جمله در مورد اخیر و پیش از آن در حوادث تروریستی مشابه در منطقه «پیشین» که به شهادت شماری از سربازان انقلاب اسلامی از جمله سردار شوشتری انجامید یا بمبگذاری‌های انتحاری در چابهار و گروگانگیری منجر به شهادت شماری از ایرانی‌ها در نزدیک به پنج سال پیش در چابهار به ایران مسترد نشده‌اند. یکی از بهانه‌های پاکستان در عدم برخورد مناسب با اشترار و تروریست‌هایی که از خاک آن کشور به ایران برای عملیات دهشت‌افکنانه نفوذ می‌کنند، «نداشتن حاکمیت بر مرزها» پیش است که بهانه‌های کاملاً غیرقابل قبول است زیرا این امر از وظایف اولیه هر حاکمیت سیاسی با هر تعریف از نوع حکومت است، مگر بپذیریم که حاکمیتی وجود ندارد در آن صورت از جمله براساس کنوانسیون‌های وین و ژنو و منشور ملل متحد در بخش وظایف شورای امنیت، طرف ضربه‌دهنده می‌تواند اقدام کند. وظیفه اول هر حاکمیتی حفظ امنیت همه ساکنان در قلمرو حکومتی آن است که در علم سیاست آن را حتی معادل «استقلال» یک واحد سیاسی دانسته‌اند و این وظیفه حاکمیت است که هر مولفه تأثیرگذار بر امنیت عمومی و مغل آن را شناسایی و به هر شکل ممکن برای شهروندان تأمین امنیت کند. بازبودن مرزها و سهولت تردد، قرار گرفتن منطقه در مسیر ترانزیت مواد مخدر، زیاد بودن اتباع خارجی و دستنیایی افراد خارجی به هویت ایرانی در مطالعات سیاسی، اجتماعی و امنیتی در جنوب شرق ایران، چهار مولفه اساسی نامنی در منطقه از بعد داخلی دانسته می‌شود که هر چه سریع‌تر باید برای رفع آنها برنامه‌ریزی و اقدام کرد.

\*روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه



سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان ۳۰۰۰۸۸

**گزارش**

دوقطبی پساچشاورها

## جدال سینماگر ارزشی و غیرارزشی

■ میکائیل دبانی

حرکت جریان انقلابی در فضای سینمای این روزهای کشور نویدبخش روزهای خوشی برای سینمای ایران است چرا که پس از گذشت سال‌ها دوباره سینمای متعهد و سینماگران متعهد در حال بیدار شدن هستند. دولت یازدهم بدون پایگاه اجتماعی ثابتی وارد عرصه سیاسی کشور شد و همین نکته باعث شد از هر دستاویزی برای جمع‌آوری پایگاه اجتماعی استفاده کند. حسن روحانی پیش از جشنواره فیلم فجر به جمع هنرمندان رفت و در این نشست با نفی کردن تفاوت هنرمند ارزشی و غیرارزشی اعلام کرد: «تقسیم هنرمندان به هنرمندان ارزشی و غیرارزشی بی‌معناست؛ هنر یعنی ارزش و هنرمند ارزشمند است که با کار خلاقانه به تعالی می‌رسد». روحانی اضافه کرد: «خلقت بزرگ‌ترین مظهر قدرت خدای لایزال است که فقط در این زمینه است که فتنارالله احسن‌الخالقین». رئیس‌جمهوری تصریح کرد: «هنرمند، جهان را بازآفرینی می‌کند و کار او در مسیر ارزش‌های الهی است؛ هنرمند البته در مسیر هنر باید با مردم، ذوق مردم و خواست مردم خود را نزدیک کند». در این زمینه امام خمینی(ره) در پیام معروف خود به هنرمندان در شهریور ۱۳۶۷ به تفاوت‌های دو مدل هنر اشاره کرده و می‌نویسد: «تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل‌دهنده اسلام ناب محمدی(ص)، اسلام ائمه هدی(ع)، اسلام فقهای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازپایانه‌خوردگان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیت‌ها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌ی مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌بدر و در یک کلمه اسلام آمریکایی باشد». ایشان در بخش دیگری از این پیام می‌فرمایند: «هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله‌بار مسؤلیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چارچوب مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده‌اند و هنرمندان ما در جبهه‌های دفاع مقدس‌مان اینگونه بودند، تا به ملاً اعلام شتافتند. برای خدا و عزت و سعادت مردمان جنگیدند و در راه پیروزی اسلام عزیز تمام مدعیان هنر بی‌درد را رسوا نمودند خدایشان در جوار رحمت خویش محشورشان گرداند.» (جلد ۲۱، صص ۱۴۵) جملات روحانی باعث شد حسن رحیم‌پورازغدی که از جمله تئوریسین‌های حال حاضر انقلاب اسلامی است در جشنواره فیلم عمار بگوید: «من معنی این جمله را نمی‌فهمم که هنر ارزشی و ضدارزشی وجود ندارد! یعنی سینمایی که مروج شرک و خرافه است با سینمایی که مروج توحید و عبادت است، مساوی است؟»

ادامه در صفحه ۸